سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۷۹۷۷ ■ شنبه ■ ۲۲ مرداد ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۹ | اذان مغرب ۲۰/۱۵ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ | اذان صبح فردا ۴/۵۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۲

سخن روز

امام حسین علیه‌السلام:
من مرگ را چیزی جز سعادت و زندگی در کنار ستمگران را چیزی جز ملالت نمی دانم.
تحف العقول: ۲۴۵

نـــگاره
احمدرضا سهرابی

در سوگ سرو

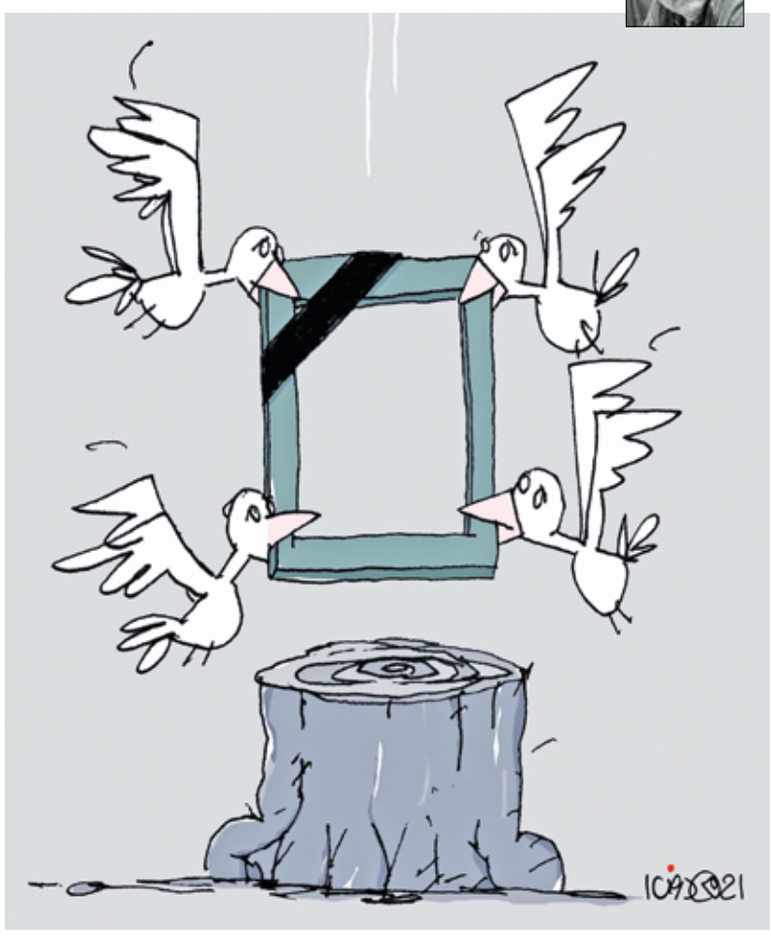

هنرمندان در فضای مجازی

در کنار اطلاع‌رسانی‌های شخصی اهالی فرهنگ برای تازه‌های تولیدات در این عرصه‌ها، مطالب مندرج در صفحات شبکه‌های اجتماعی همچنان تحت‌تأثیر درگذشت امیرهوشنگ ابتهاج (سایه) هستند. هنرمندان و اهالی ادبیات با وجود گذشت چند روز، از جای خالی این مصحح و شاعر معاصر می‌نویسند؛ هر چند که عرصه فرهنگ، روز گذشته ابراهیم قنبری‌مهر یکی دیگر از بزرگان خود را هم از دست داد.

■ **یاد**

اهالی موسیقی به سوگ ابراهیم قنبری‌مهر، سازنده سرشناس ساز و یکی از بزرگان خود نشستند. کیهان کلهر موسیقیدان و نوازنده پیشکسوت در صفحه شخصی‌اش نوشته: «استاد قنبری‌مهر برفت و جز نکونامی و نکوکاری از و نماند. انسانی که او را به گوهر و سرشت، سراسر مهر و نجابت شناختم. صعب حال و ایامی‌ست.» محمد معتمدی هنرمند خواننده نیز نوشته: «استاد ابراهیم قنبری‌مهر عزیز، پدر سازسازی ایران، بدرود! در یادمان خواهید ماند. تسلیت به جامعه هنر و موسیقی.»

■ **چهره‌ها**

شهرام ناظری خواننده موسیقی اصیل ایرانی با انتشار تصویری از خود با زنده‌یاد ابتهاج نوشته:«ترانه‌سرای عشق، شاعر بزرگ معاصر (ه. الف. سایه) از میان ما رفت... در سال‌های نوجوانی و آغاز کار، سایه نقش مهمی در زندگی هنری من داشته است. همین قدر بگویم که اگر تأیید نورعلی برومند به‌عنوان استاد و تصمیم‌گیرنده موسیقی ایرانی و تشویق و رهنمودهای سایه نبود، شاید من هرگز وارد دنیای حرفه‌ای موسیقی نمی‌شدم و تنها برای دل خود می‌سرودم، می‌نواختم و می‌خواندم. نام و یادش جاودان.»

حمیدرضا شکارسری، نویسنده و شاعر، تصویری از امضای زنده‌یاد ابتهاج را منتشر نموده که به آن متنی از خودش را ضمیمه کرده، متنی با این مضمون: «امضای سایه شعر، پای شعر است... دیگر سایه تو پای شعری نخواهد افتاد.»

محمدرضا شمس، نویسنده و مدرس داستان‌نویسی از برپایی چهارمین دوره کارگاه داستان‌نویسی پیشرفته در صفحه شخصی‌اش خبر داده و در توضیحات بیشتر نوشته: «شروع این کارگاه ۲۴ مرداد دوشنبه‌ها، ساعت ۱۵ تا ۱۶:۳۰ به‌صورت مجازی و از طریق آنلاین است.» بنا بر اطلاعیه این نویسنده سرفصل‌های این دوره موارد پیش‌رو است: «جمع‌بندی و خلاصه کارگاه مقدماتی، شیوه‌نگارش، انتخاب عنوان داستان، شرح داستان با مصداق، درون‌مایه و مضمون، لحن و زبان در داستان، نگو-تصویر کن، ریزبینی و جزئیات و پایان داستان.

گلاره عباسی، بازیگر سینما و تلویزیون هم در صفحه‌اش گفته زمان اکران فیلم «ابلق» نزدیک است. او نوشته: «کمتر از یک هفته مانده تا آغاز اکران ابلق در سینماهای سراسر کشور. فیلمی از نرگس آبیار به تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی.» بهرام رادان، الناز شاکردوست، هوتن شکیبا، گلاره عباسی و گیتی معینی از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند. اکران این فیلم از ۲۶ مردادماه در سینماهای سراسر کشورمان آغاز می‌شود. هوتن شکیبا هم پست مشابهی منتشر کرده که آن هم نویدبخش اکران فیلم مذکور طی روزهای آینده است.

پژمان بازغی، بازیگر سینما و تلویزیون با انتشار تصویری که گویای فرارسیدن زادروزش است از همه دوستان و علاقه‌مندانی که تولد وی را تبریک گفته‌اند تشکر کرده و نوشته: «ممنونم از تمام کسانی که از طریق پست و کامنت و استوری و تماس تلفنی تولدم را تبریک گفتند. از همه شما تشکر می‌کنم.»

آیدا پناهنده، فیلمساز و تهیه‌کننده سینما مطلبی از صفحه سلام سینما را به اشتراک گذاشته است، در این پست که با تصویری از پارسا پیروزفر همراه شده، آمده: «پارسا پیروزفر و آیدا پناهنده در اکران مردمی فیلم تی‌تی در پردیس سینمایی کوروش.»

■ **دیگه چه خبر**

صفحه انتشارات کتاب‌های طوطی، مطلبی با عنوان: «دوست دارید کدام رمان نوجوان طوطی را بخوانید؟» منتشر کرده است. این سؤال به بهانه برپایی مسابقه‌ای برای مخاطبان نوجوان است که البته مسئولان برگزاری‌اش وعده اعطای جایزه هم داده‌اند. در توضیحات این فراخوان آمده: «سال‌های نوجوانی، سال‌های پراهمیت و خاصی است؛ مرحله گذر از کودکی. رمان‌های نوجوان در چند سال گذشته بیشتر از قبل همه‌گیر شده‌اند و به طرح دغدغه‌های متفاوت نوجوان امروز می‌پردازند.» این جایزه بابت روز جهانی نوجوان، مخاطبان کم سن و سال را به چالشی جذاب دعوت کرده است. در این چالش نام چند کتاب به همراه توضیحاتی مختصر آمده و علاقه‌مندان می‌توانند یکی از آنها را به‌عنوان اثر مورد علاقه خود انتخاب کنند. در مرحله بعد تصویر مربوط به توضیحات آن را استوری کرده و صفحه نشر طوطی را هم تگ کنند تا شانس خود را برای برنده شدن در این جایزه امتحان کنند.

غروب «مهر» در مرداد

به یاد استاد ابراهیم قنبری مهر ۱۳۰۷/۰۵/۱۰ - ۱۴۰۱/۰۵/۲۱

نداسیجانی- مرداد ماه ۹۸ بود، به انگیزه زادروز تولد استاد ابراهیم قنبری مهر (مبتکر ایرانی و سازنده پیشکسوت ساز)، میهمان منزلش بودیم. گفت‌وگویی با عنوان «سرپنجه‌های عشق بر پیکرهای بی‌جان». او شاگرد و میراث‌دار اخلاق، منش و هنر استادش ابوالحسن صبا و تنها بازمانده مکتب او بود؛ آنچنان که هرگاه از صبا نام برده می‌شد اشک در چشمانش حلقه می‌زد. استاد قنبری مهر در آخرین گفت‌وگویش گفت: «صادقانه کار کردم و داشته‌هایم را که همان اسرار عشق است با صداقت به مردم کشورم هدیه کردم و تمام زندگی‌ام همین بوده و این پایان خط من است... و امروز خوشبختم و آرزویی ندارم. اگرچه زندگی‌ام پستی و بلندی‌های بسیاری داشت اما روزگارم را با وجدانی آسوده طی می‌کنم.»

یاد

میرعلیرضا میرعلی‌نقی
منتقد و پژوهشگر موسیقی

آخرین یادگار زنده و موجود از عصر صبا را از دست دادیم و بی‌تردید دنیایی خالی‌تر و تیره‌تر را پیش‌رو داریم. بی‌تردید در ظلمتی آخرالزمانی به سر می‌بریم که خوبان‌مان این چنین سریع از پی هم می‌روند. هرکس بالاخره در ایستگاهی خواه‌ناخواه از قطار زندگی بیرون خواهد آمد و غرض نقشی است کز ما باز مانَد. دریغ اینجاست که بزرگان تأثیرگذارمان نسل به نسل کمتر می‌شوند و از لحاظ هنری و منش انسانی، جایگزین شایسته‌ای ندارند و اگر دارند در سطحی فراتر از استادان‌شان نیستند. در مورد ابراهیم قنبری مهر بزرگ، باز هم به نسبت، ادامه‌دهندگانی بهتر از همتایان‌شان در رشته‌های دیگر، دیده می‌شوند و این هم از کرامت نفس پاک و گوهر تابناک وجود استاد است. مردی بزرگ که تاریخ سازسازی جدید ایران با نام او آغاز می‌شود.

خبر درگذشت استاد ابراهیم قنبری مهر، یکی از غمبارترین وقایع عمر من است. ایشان و پروفسور امانوئل ملیک اصلانیان، به نظرمن، در رفیع‌ترین اوج ممکن از تعالی، هم در هنر و هم در انسانیت قرار داشتند و هرکدام در فضای شخصی خود تا سرحد توان و امکان، تأثیر گذاشتند. درباره مقام هنری و سلوک انسانی استاد قنبری مهر پیش از این هم بارها نوشته‌ام و قصد تکرار مطلبی را ندارم. سازهای نفیس او در تمام جهان پراکنده است و میراث هنری او به همت خانواده‌اش با دقت و مسئولیت، حفظ می‌شود. پرتو وجود معنوی و انسانی او که جای حرف ندارد و قولی است که جملگی برآنند. شرح مصایبی هم که در دوران گوناگون عمر بر او رفت، به قول فردوسی: یکی داستان است پر آب چشم؛ و این زمان بگذار تا وقتی دگر. استاد قنبری مهر! درست است که ما در حال و روز خوبی زندگی نکردیم، اما سعادتمند بودیم که نزدیک یک قرن، سایه شما را داشتیم. ما، با سازهای شما؛ با روح صبور و پر گذشت شما، با فرشته‌خویی و گشاده دستی و گذشت شما و در پرتو نگاه همیشه مهربان شما، تیرگی روزگارمان را تاب آوردیم. شما معنی کامل دو واژه را عملاً به ما آموختید: وظیفه و افتخار. بین گفتار و کردارشان هیچ‌گاه فاصله‌ای نبود. خانم منتخب صبا می‌گفت: استاد صبا، بیشتر هنرش را به کسابی و تهرانی و بیشتر روحیه و اخلاقش را به قنبری بخشیده است. شما تنها وفادارترین شاگرد صبا نبودید. ناب‌ترین نماد نزدیک به آن خورشید تابان هم بودید. خوشحالم که بگویم در زمان شما و در سایه شما نفس کشیده‌ام. خاک بر شما خوش و آغاز پروازتان در افلاک مبارک باد.

رضا معظمیان/ ایران

سینما مضامین زندگی را تغییر می‌دهد

بودها و نمودها

علیرضا نراقی
منتقد

چهار تم اصلی در زندگی انسان وجود دارد که همه ما تجربه‌اش می‌کنیم. نوع مواجهه با این چهار تم نیز تعیین‌کننده شخصیت و کارکرد ذهن و روان ما است. این تم‌ها شامل تولد، مرگ، گسست و بلوغ می‌شود. این چهار مسأله خاصیتی بحرانی دارند؛ به این معنا که برای انسان بحرانی وجودی به وجود می‌آورند و در مواجهه با واقعیت او را دچار تنش می‌کنند. نکته مهم این است که این چهار تم نقاط عطفی هستند که با هم پیوند می‌خورند و داستان زندگی ما را می‌سازند. تولد و مرگ تجربه مشترک همه ما است و گسست هرگونه جدایی و انقطاع را شامل می‌شود مثل گسست از مادر، کودکی، عزیزان، وطن و هر تعلقی که شامل پیوندی امن و عاطفی است. بلوغ نیز با نوعی گسست همراه است چرا که زایش خود است و ترک نابالغی، مواجهه با اختیار و تقصیر و این اساساً برای انسان که در مرزی متغیر میان آزادی و اجبار زندگی می‌کند بشدت بحران‌آفرین است.

تاریخ هنر بارها به سراغ این چهار تم رفته است چون آنها در ذات خود ماهیتی روایی و دراماتیک دارند. می‌توان به جرأت گفت هیچ فیلمی نیست که دست‌کم یکی از این چهار تم اصلی را درون خود نداشته باشد، اما نکته اینجاست که سینما بواسطه خاصیت مشاهده‌گر و مماس با زندگی، به ما یادآوری می‌کند که این چهار تم ضرورت زندگی انسانی است و می‌تواند حامل نوعی رهایی و بازیابی باشد. درام، هنر تحول، شکوفایی و شناخت است. هر شخصیت در درام که زمینه سینمایی داستان را شکل می‌دهد، به تحول می‌رسد؛ تحولی که منتهی به شکوفایی و بازشناسی خود و جهان پیرامون توسط قهرمان می‌شود. در میان این چهار موضوع مرگ یکی از اصلی‌ترین و اصیل‌ترین‌ها محسوب می‌شود. بسیاری از فعالیت‌های انسان به طور ناخودآگاه برای مواجهه و حل مسأله مرگ انجام می‌شود. به همین سبب مرگ در سینما یکی از تم‌های اساسی و تکرارشونده است.

هایدگر فیلسوف آلمانی قرن بیستم معتقد بود تنها در سایه تأویل مرگ است که انسان به معنای زندگی دست پیدا می‌کند و این تفسیر از مرگ را ما بارها در سینما دیده‌ایم. یکی از فیلمسازان مهمی که این مضمون را بارها در آثار خود پرورش داد و در نسبت با ساختار سینمایی خود نگاهی متفاوت را به آن ممکن کرد عباس کیارستمی بود. اخیراً نیز فیلم «غروب» ساخته فیلمساز مکزیکی میشل فرانکو با بازی تیم روث یکی از آن پنجره‌های متفاوت در نگاه به مرگ را گشوده است. فیلم داستان نیل بنت مردی از یک خانواده بسیار ثروتمند است که آگاه شده است بزودی خواهد مرد؛ او که در تعطیلات بسر می‌برد برای تشییع مادرش به کشور خود باز نمی‌گردد و رها در محله‌ای ناامن در حالی که همه چیزش را از دست داده یا بخشیده است، انتظار مرگ را می‌کشد. بی‌تفاوتی اولیه نیل وقتی با افشای رو به مرگ بودنش معنا می‌شود خاصیت رهایی‌بخش پیدا می‌کند. این همان کارکرد اصیل هنر و سینماست که می‌تواند بحران پایان انسان را به‌عنوان اصلی‌ترین مضمون زندگی او، به راهی برای رهایی تبدیل کند.

روایتی که ما را مستقیم به هدف می‌رساند

پیشنهاد

سمیه عظیمی ستوده
نویسنده

گفتن از بعضی آدم‌ها سخت است؛ آدم‌هایی که عظمتِ وجودشان حتی بیش از یک قیام میلیونی است؛ کسانی که همه وجودشان را به خدا می‌سپارند تا سرچشمه حرکتی باشند که هر کسی دلِ انجامش را ندارد. حاج‌حمید از همین آدم‌هاست.

برای همین گفتن و نوشتن از او سخت است؛ از او که وقتی دید مردم بعد از سقوط صدام، پشت مرز مهران جمع می‌شوند تا به زیارت کربلا بروند، یک شب دل به دریا زد و رفت روبه‌روی مردم ایستاد؛ بعد با صدای بلند گفت: «اُدخلوها بِسلامٍ آمنین» و مرز را باز کرد. آن شب، تعداد بیشماری از مردمِ وارد عراق شدند و به زیارت رفتند؛ بی‌آنکه بدانند این مرد کیست. و چند ماه بعد که مصادف شد با اربعین، تصمیم گرفت در راهپیمایی مردم عراق شرکت کند. پابه‌پای مردم عراق، از مرز مهران تا کربلا پیاده رفت. توی همان پیاده‌روی طولانی تصمیمش را گرفت؛ گفت: «مردم اگر بیایند بساط داعش جمع می‌شود.»

مسیر سخت بود و دشوار، اما معلوم بود هیچ ارتشی در برابر میلیون‌ها نفر از مردم، توان مقابله ندارد. گفتند خطرناک است؛ گفت: «امنیتش با من.»

و اربعین سال بعد، جاده‌هایی که روزی چاله‌چوله بود از بمب و خمپاره، پُر شد از مردان و زنانی که چیزی در درونشان داد می‌زد باید بروند.

سال‌هاست که مردم پریشان و واله‌اند برای رفتن به کربلا، برای پیاده رفتن به کربلا. اما شاید خیلی‌ها ندانند آن که مرز را باز کرد، آمد و رفت و مذاکره کرد تا از امکانات بسیج و راهیان نور استفاده شود و ویزا برای پیاده‌روی حذف شود، حاج‌حمید تقوی‌فر است. کسی که سپاه را، خانه پدری‌اش را، رها کرد تا برود عراق؛ که تا داعش پایش به عراق نرسیده، همانجا در دَم تمام شود؛ گفت «نباید عراق به سرنوشت سوریه دچار شود.» گفت «حسین‌بن‌علی خط قرمز ماست.»

من هنوز هم نمی‌توانم بگویم حاج‌حمید را می‌شناسم؛ سال‌هاست که درباره‌اش می‌خوانم، می‌شنوم و می‌نویسم، اما هنوز هم نمی‌توانم عظمت وجودش را درک کنم. یعنی درک عظمت وجود بعضی‌ها اساساً سخت است؛ دشوار است.

در «سرزمین بی‌فصل»، حرف‌های پروین مرادی، همسرش، را شنیدم و نوشتم و در «روایت ناتمام»، مقدمه‌ای طولانی نوشتم براساس آنچه از حاج‌حمید می‌دانستم، تا تمام کنم روایت ناتمامش را. او در ساعت‌ها مصاحبه، از کودکی تا فتح سوسنگرد را گفته و بعد، وقتی مصاحبه هنوز به نیمه نرسیده بوده است، به شهادت رسیده؛ در ششم دی‌ماه سال ۱۳۹۳. افسوسی عمیق داشتیم از خاطراتی که ناتمام مانده است، پس تصمیم گرفتیم همین‌هایی را که هست کتاب کنیم؛ چون قصه زندگی حاج‌حمید را باید خواند، باید خواند و درس زندگی گرفت. باید خواند و راه درست را یاد گرفت. «روایت ناتمام» یا «سرزمین بی‌فصل»، فقط یک زندگینامه نیستند؛ مسیرند، مسیری که ما را مستقیم به هدف می‌رساند.

عاشورا جوششی در راه احیای بعثت و غدیر

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

یاد و خاطره حسین بن علی(ع) و عاشورایش همواره در ذهن و زبان و قلم‌ها زنده و جاریست، چرا که عاشورا خود یک تاریخ است. رویداد عظیمی که رسالت احیای همه آنچه را انبیای الهی بویژه خاتم پیامبران حضرت محمد(ص) برای بشریت به ارمغان آورده و در راه تبلیغ و نشر و تحقق آن رنج هزاران زخم زبان و شمشیر را به جان خریدند بردوش دارد.

همان طور که بعثت روز بلوغ و کمال عقل بشر و غدیر روز بلوغ و کمال دین بودند، عاشورا نیز روز بلوغ و کمال حماسه است؛ حماسه‌ای که با جوشش خون انسان‌های پاکی همچون حسین بن علی(ع) همراه است. حماسه عاشورا همواره در طول تاریخ بزرگترین ضربه کاری را بر پیکر ستمگران و دنیاطلبان، این دشمنان دیرین مکاتب الهی، فرود آورده و به همین دلیل از فردای وقوع، تا به امروز آماج تیرهای زهرآگین تحریف قرار داشته و دارد. این حرکت با خارجی - خروج کننده علیه خلیفه مسلمین - و معرفی کردن شخصیت‌های نهضت عاشورا آغاز و با سوءاستفاده ازاعتقاد به قضا و قدرالهی مسلمانان استمرار و با سعی در مسخ ماهیت و جوهره پیام و آرمان‌های عاشورا استمرار داشته و دارد. لکن به واسطه روح حماسی مستتر در این رخداد بزرگ و پویایی ذاتی آن، نتوانستند راه به جایی ببرند. عاشورا در طول تاریخ شعار عدالت طلبی و در بزنگاه‌های تاریخ نقش آفرین بوده است زیرا به موازات دشمنی‌های دشمنان و تحریف تحریف‌گران، پاسداران حریم حریت و جوانمردی نیز در معرفی چهره واقعی عاشورا همت گمارده و اقدامات مؤثری را پیرامون بازشناسی اهداف حماسه شورآفرین عاشورا به انجام رسانده‌اند. در مکتب امامیه، امامت ادامه نبوت و مکمل دین است که مسئولیت تشریع و بیان احکام، تبلیغ دین، قضاوت و حاکمیت بر سرنوشت مردم و اجرای احکام دین و حدود الهی را بر دوش دارد. اما با قدرت یافتن معاویه خطر انحراف در اهداف بعثت بیش از پیش جلوه‌گر شد زیرا در این دوره شرایط برای بازگشت ارزش‌های دوران قبل از اسلام فراهم آمده و برخی از تعالیم اسلام آشکارا نادیده گرفته شده و شیوه سلوک رسول گرامی اسلام(ص) رو به فراموشی گذاشت. خلافت اسلامی به سلطنت تبدیل شد و یزید پسر معاویه خلافت را به ارث برد. این بدعت بزرگی بود که برای بار اول در تاریخ اسلام به‌وقوع می‌پیوست. یزید فردی خوشگذران بود که نسبت به تعالیم دین بی‌اعتنا بوده و ای بسا بی‌حرمتی نیز روا می‌داشت. با موروثی شدن خلافت، شرایط برای رسالت محمدی(ص) بسیار سخت می‌شد. معاویه ابتدا جرأت نمی‌کرد نیت خود را علنی کند و قبل از آشکار کردن آن ابتدا سعی کرد هریک از مخالفان مطرح این کار را به نحوی ساکت کند. مدینه با حضور امام حسن و امام حسین(ع) و تعدادی از صحابه و قاریان قرآن هنوز ثقل معنوی جهان اسلام محسوب می‌شد و مخالفت مدینه با این اقدام معاویه می‌توانست دردسرساز باشد. از این رو معاویه در نخستین گام ابتدا با به شهادت رساندن امام حسن(ع) و ترور چند نفر از صحابه ساکن در مدینه، موانع مهم را از پیش روی خود برداشت. بعد به سراغ افراد آزمند رفته و با بذل و بخشش‌های فراوان نظر آنان را نیز جلب کرد. دومین پایگاهی که بالقوه مخالف موروثی شدن خلافت برای بنی امیه بود، عراق و مرکزیت سیاسی آن کوفه بود. هنگامی که معاویه موضوع را با «زیاد بن ابیه» حاکم وقت کوفه در میان گذاشت، وی زیر بار نرفت و عده‌ای دیگر همچون «سعید بن عثمان» نیز با آن مخالفت کردند. معاویه که دید هنوز بیعت گرفتن رسمی برای یزید زود است، طرح خود را به‌طور موقت به تأخیر انداخت تا در فرصتی مناسب این کار را علنی کرده و برای یزید بیعت بگیرد. اما اجل مهلتش نداد و پیش از آنکه بتواند خود صحنه‌گردان این ماجرا باشد، مرد. بعد از معاویه، یزید خود دست به کار شد. ابتدا افرادی را به مدینه فرستاد تا از امام حسین(ع) و سایر شخصیت‌های ساکن در مدینه بیعت بگیرند. پیدا بود که امام حسین(ع) با این بدعت آشکار مخالفت کرده و مقابل آن خواهد ایستاد. همین طور هم شد و پیش از آنکه یزیدیان در اقدامی پیشدستانه آن حضرت را در مدینه به شهادت برسانند، امام حسین(ع) با جمعی از یاران و اهل بیت خود شبانه عازم مکه شد و از آنجا با نیمه کاره گذاشتن حج، مسیر کوفه را پیش گرفت.

سیدالشهدا(ع) درمراسم حج آن سال وقتی حاجیان در صحرای منا حضور داشتند، از بنی‌هاشم خواست هر کس از صحابه و تابعین را که در مراسم حج هستند و مستعد شنیدن حرف حق به خیمه حضرت دعوت کنند. دعوتی بی‌سابقه که می‌توانست حاوی پیامی مهم باشد.

طولی نکشید نزدیک ۷۰۰ نفر جمع شدند. امام(ع) در جمع آنان از خطر فراموشی ارزش‌های اسلامی و فضایل امام علی(ع) و شایستگی‌های وی سخن به میان آورد. این اقدام امام حسین(ع) در ابتدای راه بیانگر آن است که نهضت عاشورا حرکتی در امتداد بعثت و غدیر و جهشی تاریخی در تبیین فلسفه انتظار می‌باشد.

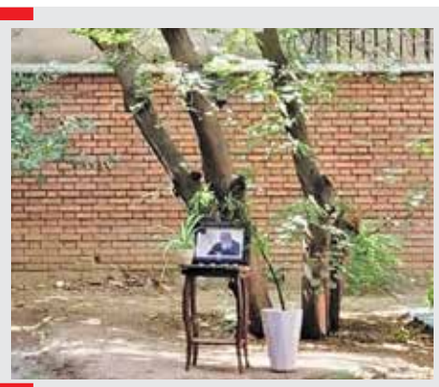

عکس نوشت

به گفته دخترهوشنگ ابتهاج (یلدا ابتهاج) با توجه به هماهنگی‌های انجام گرفته مراسم تشییع استاد ابتهاج از کنار درخت ارغوان (در تهران) انجام خواهد شد و از آنجا برای خاکسپاری به سمت شهر رشت خواهند رفت. البته تاریخ و ساعت دقیق مراسم بزودی اطلاع‌رسانی می‌شود. ارغوان یکی از زیباترین اشعار هوشنگ ابتهاج است که در زمانی که سایه به زندان رفت، این شعر را در دوری از درخت ارغوانش سرود؛ اما ارغوان سایه بیشتر از یک شعر است. خانه ابتهاج که به ثبت میراث فرهنگی رسیده، خانه ارغوان نام دارد و دلیل این نامگذاری وجود درخت ارغوان در حیاط این خانه است و دلیل معروفیت ارغوان، نه خود درخت بلکه شعر سایه است./صفحه شخصی اینستاگرام یلدا ابتهاج

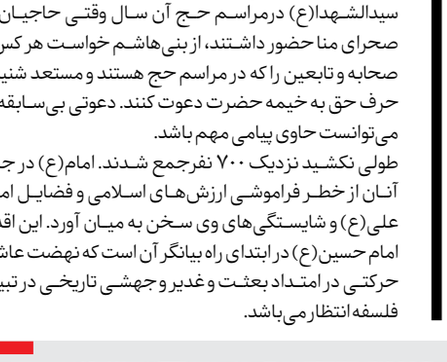

با من بی‌کس تنها شده، یارا تو بمان
همه رفتند از این خانه، خدا را تو بمان
منِ بی‌برگِ خزان دیده، دگر رفتنی ام
تو همه بار و بری، تازه بهارا تو بمان

هوشنگ ابتهاج